



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۸/۱۷



رفعت حسینی

## نکوهش بانوان در شعر نظامی گنجوی

همانگونه که مکرر نگاشته ام، زن ستیزی، آیینی ناخجسته، در سراسر شعر گذشته پارسی می باشد.

در شعر پارسی، شاعران شیخ و مولانا و حکیم و استاد، سینه های لرزان زن را مالیده و گاهی بیشتر لرزان شده اند، یا رانه اوپله های کون دل آرایش را مالش ها داده اند. البته لب و گردن و قات پایش را بوسه باران نیز کرده اند.

پس از تمام شدن حکایت آب منی، زمان نکوهیدن و دینداری و (ژهد) برای شاعران فرامی رسد. نظامی گنجوی رتبه بالایی!!! دارد در شعر پارسی. به حدی که به او لقب حکیم داده اند. یعنی شاعری که روایت!!! شده است که دانش های زمانه اش را خوب می شناخته است.

شاید بیش از تعداد انگشتان یک دست، در میان شاعران، حکیم نداشته باشیم. مانند حکیم سنایی - حکیم فردوسی - حکیم خیام - حکیم ناصر خسرو. حکیم کسی بود که حکمت می دانست و حکمت همان فلسفه بود و فلسفه، مجموع دانش ها بود.

نظامی علاوه بر این که حکیم است، رمان نویسی! برجسته نیز هست. پنج کتاب دارد. مخزن الاسرار - خسرو و شیرین - لیلی و مجنون - شرفنامه - اسکندرنامه. دست کم دو کتاب او رمان عاشقانه اند. او در این رمان ها، زنان را به شیوه ویژه خودش کوبیده است. هر چند که ممکن است ( برای گریزدادن نظامی) گفته شود که این کوبیدن ها، توسط قهرمانان داستان هایش صورت گرفته است اما این نظامی است که با زبان زیبای تخیل شاعرانه و نظم عروضی خلیل ابن احمد عرب، آن قصه های غیرواقعی را علیه بانوان خلق و ثبت کرده و پیسه دار شده است. شاید اگر این زن ستیزی ها توسط نظامی نوشته نمی شد تا این اندازه معروف نمی شد و بر سر زبان ها نمی افتاد. اما واقعیت این است که ممکن است شخص نظامی در زندگی اجتماعی اش رفتارهای منطقی و انسانی با زنان و حقوق زنان داشته بوده است و این دیدگاه ها که در داستان ها و شعر هایش درباره ی زنان مطرح می شود، نگاه جامعه ی مردسالار زمانه اش باشد و نظامی در مقام بازتاب دهنده اندیشه های مردسالارانه و مسلط بر جامعه آن زمان برآمده باشد.

مگر از هر دریچه یی این نظامی گنجوی گناهکار است

و اینک چند اشاره کوتاه به شعرهای نظامی که در آن به زنان توهین شده است:

### ۱/ تحقیر زنان

چند کنی دعوی مرد افکنی

کم زن و کم زن که : کم از یک زنی !  
(مخزن الاسرار)

## ۲/ تشویق به حبس کردن زنان درخانه

زن آن به که در پرده پنهان بود  
که آهنگ بی پرده ، افغان بود  
چه خوش گفت جمشید با رایزن  
که یا پرده یا گور ، به جای زن  
مشو بر زن ایمن که « زن پارساست » !  
که در بسته به گرچه دزد آشناست  
( شرفنامه /ص 290 )

## ۳/ مکر زنان!

زن گر نه یکی هزار باشد  
در عهد ، کم استوار باشد  
چون نقش وفا و عهد بستند  
بر نام زنان قلم شکستند  
زن راست نبازد آنچه بازد  
جز زرق نسازد آنچه سازد  
بسیار جفای زن کشیدند  
وز هیچ زنی وفا ندیدند  
زن چیست ؟ نشانه گاه نیرنگ  
در ظاهر صلح و در نهان جنگ  
در دشمنی آفت جهان است  
چون دوست شود ، هلاک جان است  
گویی که بکن ، نمی نیوشد  
گویی که مکن ، دو مرده کوشد  
چون غم خوری ، او نشاط گیرد

چون شادشوی ، ز غم بمیرد  
این کار زنان راست باز است  
افسون زنان بد ، دراز است !  
( لیلی و مجنون / ص 144 )

#### ۴/ زن از دنده ی چپ آفریده شده!

بسا زن که صد از پنجاه نداند  
عطارد را به زرق از ره براند  
زنان مانند ریحان سفالند  
درونسو خبث و بیرونسو ، جمالند  
نشاید یافتن در هیچ برزن  
وفا در اسب و در شمشیر و در زن  
وفا مردی ست بر زن چون توان بست ؟  
چو زن گفتی بشوی از مردمی دست  
بسی کردند مردان چاره سازی  
ندیدند از یکی زن راست بازی  
زن از پهلوی چپ گویند برخاست !  
مجوی از جانب چپ ، جانب راست  
( خسرو و شیرین / صص 196- 197 )

...